

ستاره دنیا له دار

مجری: یک کبوتر سفید زیبا.

در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام

پلاتو اول / کبوتری کنار

پنجره‌ای که رو به حرم مطهر حضرت

باز می‌شود نشسته است و صحبت می‌کند.

ما کبوترها وقتی می‌خواهیم حرف بزنیم مثل شما آدم‌ها با نام و یاد

خدا شروع می‌کنیم. خدایی که به ما بال داده تا بتوانیم بهترین جاهای دنیا رو

انتخاب کنیم و برای همیشه دلبسته اونجا بشیم. ما کبوترها همیشه صبح که می‌شه بلند

می‌شیم به آسمون به نگاه می‌ندازیم و می‌گیم «یا کریم» و اون وقت پر و بالی می‌گیریم و به چرخ می‌زنیم

توی آسمون و به امید حق به روز قشنگ شروع می‌کنیم. [کبوتر پرواز می‌کند]

یک برنامه تلویزیونی مکتوب
به بهانه میلاد حضرت معصومه ((سلام الله علیها))

حامد حجتی

پلاتو دوم / کبوتری نشسته روی یکی از بام‌های نزدیک حرم /

راستش بخواید اینجایی که ما هستیم شاید بهترین جای دنیا باشه / شاید... که نه... حتماً هم هست و ما کبوترایی که توی این آسمون پرواز

می‌کنیم خوشبخت‌ترین کبوترای دنیا. می‌گید چرا؟ خب حق دارید پیرسید... بذارید یک بال دیگه بگیرم و به دور دور گنبد طلایی حرم بی‌بی

بزنم اون وقت می‌آم و براتون می‌گم. [پرواز کبوتر]

پلاتو سوم / کبوتری در بین کبوترها /

اما قرار شد بگم چرا اینجا بهترین جای دنیاست / قبل از این که به این سؤال جواب بدم بذارید به نکته‌ای رو بگم / ما کبوترها تنها توی این صحن

و سرا دونه جمع نمی‌کنیم مردم برامون گندم می‌آرن اما ما بیش‌تر از این که گندم جمع کنیم به حرف‌هاشون گوش می‌دیدم یادم به روزی که

بزرگی داشت توی همین صحن و سرا این مسأله رو برا مردم می‌گفت می‌گفت: یکی از بزرگان خیلی دوس داشت قبر مادرش

حضرت زهرا علیها السلام رو پیدا کند با کلی نذر و نیاز و شب زنده‌داری به شب خانم حضرت زهرا علیها السلام اومدند به خواب

اون بزرگ و گفتند: نمی‌خواد اینقدر دنبال قبر من بگردی اگه دلت می‌خواد جبروت و بزرگی

آستان منو ببینی برو قم یکی از دختران من به نام فاطمه اونجا دفن.

حالا شما حساب کنید ببینید این جا بهترین جای دنیا هست یا نه / خب تا ما با این

جماعت عاشق به دور دیگه طواف گنبد طلایی رو انجام می‌دیم شما ادامه برنامه امروز ما رو

نگاه کنید.

پلاتو چهارم / کبوتر در حال دونه جمع کردن /

کاش شما هم به کبوتر بودید تا بدونید دونه جمع کردن اونم از کف صحن حضرت چه صفایی داره.

کاش شما کبوتر بودید تا بدونید به دونه گندم این صحن به تمام عالم می‌ارزه اما دلتون نسوزه ما

کبوترها هر وقت دلمون می‌گیره می‌آیم پایین و گندم جمع می‌کنیم و شما آدمای عاشق هر





وقت دلتون می‌گیره می‌آید اینجا و اشک می‌ریزید درست مثل اون آقای که اونجا می‌بینیدش خوش به حالش به خود همین حضرت معصومه به همون اندازه که شما اشک می‌ریزید و لذت می‌برید ما دونه جمع می‌کنیم و لذت می‌بریم، حالا اگه تا به حال اشک نریختید به بار امتحان کنید به چشماتون التماس کنید ... ببینید چی میشه. خلاصه برایه به بار هم که شده بیاید کبوتر باشید.

پلاتو پنجم / کبوتری در بین بچه‌هایی که دنبال کبوتر می‌کنند.

دلم نیومد از این نکته بگذرم. و اون این که به موقع فکر نکنید اینجا ما از دست بچه‌ها فرار می‌کنیم نه... این زیارت‌نامه خوندن ماست / دل این بچه‌ها صاف صاف و ما از این که توی این فضای ملکوتی لبخند نازی‌رو روی لبان به کودک می‌شونیم خیلی خوشحالییم به هر حال زندگی ما خلاصه می‌شه به همین گندم چیدن و از دست این بچه‌ها این طرف و اون طرف رفتن چرخ خوردن دور گنبد طلایی خانم. خدا را شکر. صد هزار مرتبه شکر.

پلاتو ششم / کبوتری تنها در صحن حرم راه می‌رود /

اول برنامه گفتیم ما خوشبخت‌ترین کبوترای دنیا ییم. هنوزم اینو میگم و خواهم گفت:

این بار می‌خواهم به دلیل دیگر براتون بیارم: به شبی کنار گلدسته خواب بودم خواب دیدم به جایی هستیم تمام کبوترای عالم جمعند ما کبوترای حرم جمع شده بودیم به جا! اونوقت برا هم صحبت می‌کردیم کبوتر امام رضا می‌گفت: جاتون خالی بین سقاخونه و گنبد طلایی صبح‌ها وقتی نقاره‌خونه می‌زنند آی صفا داره پرواز کبوتر امام حسین می‌گفت: خوش به حالت اما واقعاً جاتون خالی صبح که می‌شه دسته جمعی از حرم امام حسین پرواز می‌کنیم می‌ریم حرم

حضرت عباس به چرخ می‌زنیم و اونوقت برمی‌گردیم دور گنبد قبر شش گوشه آقا

من گفتم: ما هم صفایی می‌کنیم با اسم بی‌بی غروبا که می‌شه تمام چشم‌هایی که توی صحن می‌بینی از عشق به خانم برق می‌زنن اصلاً بعضی وقتا که اوج می‌گیریم احساس می‌کنیم توی صحن حرم حضرت معصومه ستاره‌بارون این قدر چشم‌های براق از اونجا دیده می‌شه.

توی همین حرفا بودیم و داشتیم از حال و هوای حرم‌های خودمون تعریف می‌کردیم که کبوتر بقیع بغض گلوش گرفته بود و با حالتی غریب می‌گفت: خوش به حالتون چه جاهای باصفایی دارید، ما تنها اونجا دلخوشی مون اینه که از روی قبر خاکی چهار تا امام دونه جمع می‌کنیم / همیشه این گرد غریبی روی بال‌هامون سنگینی می‌کنه / همه این‌ها به طرف به خودشون قسم این قدر بقیع گشتیم دنبال مادر هستی و هنوز پیداش نکردیم که نگو و نپرس...

پلاتو هفتم / کبوتر با سرعت بیشتری حرکت می‌کند /

خلاصه شما هم امروز با این برنامه زائر حضرت شدید / هر وقت دلتون پرکشید برای شهر قم و بارگاه حضرت معصومه برید بالای پشت بوم خونه‌تون، دستتون بذارید رو سینه‌تون و به هر طرف که دوست دارید سلام کنید به خود حضرت قسم قول می‌دم باد سلامتوون برسونه چون هر روز هزاران هزار سلام عاشقانه رو باد می‌آره و تحویل می‌ده به گنبد نورانی خانم

تا به فرصت دیگه یا حق [پرواز کبوتر]

